

۲۰

پژش ادیان و فرق

sarabehaghighat.ir

ماهنامه اینترنتی ادیان و فرق / مهر ۱۴۰۵ / شماره بیستم / قم

پرونده ویژه

احمد الحسن (مدعی وصایت)



فهرست

۱.....	یادداشت سردبیر.....
۲.....	پرونده پژوهشی انتقادی: جریان احمد الحسن.....
۲.....	چکیده مجموعه.....
۳.....	۱. تاریخچه ای مختصر از جریان احمد الحسن.....
۳.....	۱.۱. زیست نامه.....
۳.....	۲.۱. تحصیلات.....
۳.....	۳.۱. سیر تطور ادعاهای احمد اسماعیل.....
۴.....	۴.۱. اختفا و وضعیت کنونی.....
۵.....	۲. معرفی شاخه «مکتب» در جریان احمد الحسن.....
۵.....	۱.۲. باورهای شاخه مکتب.....
۶.....	۲.۲. احکام فقهی در شاخه مکتب.....
۶.....	۳.۲. وضعیت شاخه مکتب در ایران.....
۷.....	۳. نقد آموزه های جریان احمد الحسن.....
۷.....	۱.۳. ادعای افزایش شمار امامان به ۲۴ نفر.....
۷.....	۲.۳. نقد روایت مورد استناد.....
۱۱.....	۳.۳. ادعای قائم بودن و مهدویت احمد الحسن.....
۱۳.....	۴. آسیب های اجتماعی جریان احمد الحسن.....
۱۳.....	۱.۴. تکفیر شیعیان.....
۱۳.....	۲.۴. جواز سرقت اموال.....
۱۴.....	۳.۴. وجوب قیام علیه حکومت.....
۱۴.....	۴.۴. دشمنی با علما و معرفی آنان به عنوان دجال و سفیانی.....
۱۴.....	۵.۴. اقدامات خشونت آمیز و شورش مسلحانه.....
۱۴.....	۶.۴. تغییر تاکتیک و رویکرد نفاق.....
۱۵.....	۵. عوامل پیدایش و زمینه های شکل گیری جریان احمد الحسن.....
۱۵.....	۱.۵. الف. سبب های پدیدآورنده.....
۱۶.....	۲.۵. ب. سبب های استمرار بخش جریان های انحرافی.....

فهرست

۶. کارکرد نشانه‌های ظهور و نقد ادعای احمد الحسن ۱۸
۱۶. کارکردهای نشانه‌های ظهور ۱۸
۲۶. پنج معیار برای تطبیق نشانه‌ها بر حوادث ۱۹
۳۶. جمع‌بندی کاربردی برای نقد ادعای احمد الحسن ۱۹
۷. سنجش اعتبار منابع مورد استناد مدعیان ۲۰
- ۱.۱۷. «الفتن» اثر نُعیم بن حماد مروزی ۲۰
- ۲.۲۷. «شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار» اثر قاضی نعمان تمیمی ۲۱
- ۳.۳۷. «بیان الأئمة» اثر سید محمد مهدی زین العابدین نجفی ۲۱
- ۴.۴۷. «إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب» اثر شیخ علی یزدی حائری ۲۲
۸. معرفی کتاب‌های نقد جریان احمد اسماعیل ۲۳
- ۱.۸. سراب زیر باران ۲۳
- ۲.۸. درس‌نامه نقد و بررسی جریان احمد الحسن البصری ۲۳
- ۳.۸. راهنمای کور ۲۴
- ۴.۸. ره افسانه (نقد و بررسی فرقه یمانی بصری) ۲۴
- ۵.۸. معیارهای شناسایی مهدی موعود (عج) و تمایز آن از مدعیان دروغین ۲۴
- ۶.۸. شناخت، بررسی و نقد کلامی جریان‌های انحرافی مهدویت ۲۴
- ۷.۸. ردیه‌ای قاطع بر احمد بن اسماعیل الکاطع ۲۴
- ۸.۸. بررسی و نقد مستندات قرآنی جریان انحرافی احمد اسماعیل ۲۴
- ۹.۸. المهدویة الخاتمة (دو جلد) ۲۴
- ۱۰.۸. بررسی و نقد تعدد قائمیت ۲۴
- ۱۱.۸. الشهب الأحمدة فی الرد علی مدعی المهدویة ۲۴
- ۱۲.۸. أهدی الرايات ۲۵
- ۱۳.۸. الرد القاصم لدعوة المفتری علی الإمام القائم ۲۵
- ۱۴.۸. دجال البصرة ۲۵



حجت الاسلام حسین مردان پور

از شوق ظهور تا ضرورت شناخت

● یادداشت سردبیر

باور به مهدویت و انتظار ظهور حضرت ولی عصر (عج)، از ارکان هویت اعتقادی شیعه و سرچشمه امید و پویایی جامعه اسلامی است. با این حال، تاریخ تشیع نشان می‌دهد که این باور اصیل همواره در معرض سوءاستفاده مدعیانی قرار داشته است که با بهره‌گیری از اشتیاق مؤمنان به ظهور، ادعاهای خود را در پوشش آموزه‌های مهدوی مطرح کرده‌اند.

جریان موسوم به «احمدالحسن» یا «احمد اسماعیل بصری»، یکی از جریان‌های معاصر مدعی ارتباط با امام زمان (عج) است که با طرح ادعاهایی درباره وصایت، یمانی بودن و مهدویت، پرسش‌ها و چالش‌های اعتقادی متعددی ایجاد کرده است. تنوع شاخه‌های این جریان و گسترش فعالیت‌های تبلیغی آن، به ویژه در فضای مجازی، ضرورت شناخت مبانی فکری و شیوه‌های استدلال آن را دوچندان می‌کند.

شماره حاضر ماهنامه «پندار» با هدف بررسی مستند و انتقادی این جریان تدوین شده است. در این پرونده، تاریخچه شکل‌گیری، شاخه‌ها، مهم‌ترین ادعاهای اعتقادی، پیامدهای اجتماعی و عوامل گسترش آن بررسی می‌شود. همچنین اعتبار منابع روایی مورد استناد مدعیان و ضوابط صحیح تطبیق نشانه‌های ظهور مورد توجه قرار گرفته است. نکته محوری این مجموعه آن است که صرف

نقل یک روایت یا شباهت ظاهری یک فرد با نشانه‌های ظهور، برای اثبات ادعاهای مهدوی کافی نیست. شناخت صحیح، نیازمند بررسی اعتبار منابع، دلالت روایات و سنجش ادعاها با مبانی قطعی اعتقادی شیعه است.

امید است این پرونده، گامی در جهت ارتقای سواد مهدوی، تقویت قدرت تشخیص مخاطبان و یاری‌رساندن به مبلغان و فعالان فرهنگی در مواجهه علمی با شبهات باشد.

انتظار آگاهانه، تنها شوق ظهور نیست؛ بلکه مسئولیت شناخت حقیقت و ایستادگی در برابر تحریف آن نیز هست.

نام نشریه: ماهنامه پندار / **موضوع:** بررسی و نقد ادیان، فرق و جریانات انحرافی / **صاحب امتیاز:** گروه فرهنگی تبلیغی سراب حقیقت / **مدیر مسئول:** محمد جواد نصیری / **سردبیر:** حجت الاسلام مردان پور / **صفحه آرایی:** محمد محمدی / **هیئت تحریریه:** اعضای هیئت تحریریه اندیشکده پندار؛ حجج اسلام حسین مردان پور، علیرضا روزبهانی، مهدی بیاتی، سعید صدری، حسین عرب و آقایان امین رضایی‌نژاد، محمد جواد نصیری، سید حسن سید پورآذر

راه‌های ارتباطی پیام‌رسان ایتا: @raherahaei

آدرس سایت، تلویزیون و شبکه‌های اجتماعی:

sarabehaghighat.ir
aparat.com/sarabehaghighat
@sarabehaghighat



پرونده پژوهشی- انتقادی: جریان احمد الحسن

چکیده

این پرونده در هشت بخش، تاریخچه جریان احمد الحسن، معرفی شاخه مکتب، نقد برخی آموزه‌های اعتقادی، بررسی آثار اجتماعی، عوامل پیدایش و استمرار، ضوابط فهم نشانه‌های ظهور، اعتبار منابع مورد استناد و کتاب‌های انتقادی مرتبط را گرد می‌آورد.

متن حاضر مجموعه‌ای از مقاله‌های مستقل با رویکرد انتقادی در موضوع احمد اسماعیل، معروف به احمد الحسن است. نام نویسنده هر مقاله و مأخذ بخش‌های برگرفته از نشریه «امان» مطابق متن دریافتی درج شده است. در ویرایش، موضع‌ها، روایت‌ها و ارجاعات موجود حفظ شده و موارد ابهام برای بازبینی جداگانه مشخص شده‌اند.



۱. تاریخچه‌ای مختصر از جریان «احمد الحسن»



حجت الاسلام سید حسن سید پور آذر
اپژوهشگر نقد مدعی یمانی

مقدمه

این مقاله با گزارشی از پیشینه خانوادگی و تحصیلی احمد اسماعیل آغاز می‌شود و سپس مراحل آشکار شدن ادعاها، دوران اختفا و انشعاب پیروان را مرور می‌کند.

۱.۱. زیست‌نامه

احمد اسماعیل، معروف به احمد الحسن، در سال ۱۹۶۸ میلادی در شهر بصره متولد شد. نام پدر او اسماعیل و نام مادرش مثله است.

او از طایفه «آل هنبوش» است و نسب خانوادگی‌اش در میان این طایفه شناخته شده است. خاندان‌های آل هنبوش، از جمله آل ماجد، آل داوود و آل سلمان، این نسب‌نامه را تأیید می‌کنند. سلسله نسب او چنین نقل شده است: اسماعیل «صالح» حسین «سلمان» هنبوش

۲.۱. تحصیلات

احمد اسماعیل در سال ۱۹۹۲ میلادی در رشته مهندسی شهرسازی از دانشگاه فنی بصره فارغ التحصیل شد. او در سال ۱۹۹۹ میلادی در مدرسه شهید صدر حوزه علمیه نجف به تحصیل پرداخت.

۳.۱. سیر تطور ادعاهای احمد اسماعیل

وی در آغاز تحصیلات حوزوی مدعی شد که حوزه علمیه نجف دچار فساد است و او قصد اصلاح آن را دارد. او از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۲ میلادی ادعاهای خود را آشکار نکرد. پیروانش این دوره را «دوران دعوت مخفیانه احمد اسماعیل» می‌نامند.

پس از سه سال تلاش، وی در سال ۲۰۰۲ میلادی، با گلایه از اینکه کسی او را یاری نمی‌کند، ادعای خود را آشکار کرد. او مدعی شد با امام زمان (عج) در ارتباط است و به دستور ایشان برای ایجاد اصلاحات وارد حوزه علمیه نجف شده است. همچنین ادعا کرد برخی از طلاب، حقانیت او را در خواب دیده و بر ادعایش تأکید کرده‌اند.^۲

۱. احمد الحسن، «خطبه ملاقات»، ۱۴۲۴ ق، ص ۷.
۲. همان.



که امام زمان (عج)، همانند حضرت عیسی (ع)، به آسمان برده شده، امامت را به او واگذار کرده و اکنون او «حجت ناطق» بر روی زمین است.^۴

۴.۱. اختفا و وضعیت کنونی

احمد اسماعیل از سال ۲۰۰۶ میلادی پنهان شد. در سال ۲۰۰۸ میلادی، میان پیروان این جریان و پلیس عراق در شهر ناصریه درگیری هایی رخ داد که از آن زمان اطلاع روشنی از وضعیت او در دست نیست.

جمع بندی

پیروان جریان احمد الحسن اکنون به شاخه های گوناگونی تقسیم شده اند که هر یک خود را بر حق می دانند و شاخه های دیگر را رد می کنند.

در سال ۲۰۰۳ میلادی، در بیانیه «اعلان محل دفن حضرت زهرا (س)»، مدعی شد که فرزند و وصی امام زمان (عج) و یکی از دوازده مهدی است که پس از ایشان حکمرانی می کنند.^۱

در سال ۲۰۰۴ میلادی، حیدر مشتت از او اعلام برائت کرد و خود مدعی مهدویت شد. پس از آن، حیدر مشتت در حادثه ای که آن را «ترور مشکوک» توصیف می کنند، کشته شد. احمد اسماعیل که پیش تر مشتت را «یمانی» معرفی کرده بود، پس از این واقعه مدعی شد که خود «یمانی موعود» است و مشتت فقط «دست راست» و «یمانی» او بوده، نه یمانی موعود. وی افزود که هریک از یارانش که او را یاری کنند، در حکم «یمانی» او خواهند بود.^۲

احمد اسماعیل در کتاب «نصيحة إلى طلبة الحوزات» مدعی است که «قائم موعود» و «مهدی موعود» است و این حقیقت به صورت پوشیده در کتاب های آسمانی و روایات آمده، اما کسی نتوانسته آن را دریابد. از این رو، پیروان احمد بصری بسیاری از روایات مربوط به مهدی و قائم را بر او تطبیق می دهند.^۳

او در کتاب «مع العبد الصالح» نیز مدعی می شود

۱. احمد الحسن، بیانیه «إعلان قبر الزهراء سلام الله عليها»، ۱۴۲۴ ق، ص ۲.

۲. همان، بیانیه «لا یمانی إلا من کان لی کیمینی»، ۱۴۲۴ ق، ص ۲.

۳. همان، «نصيحة إلى طلبة الحوزات»، چاپ دوم، ۱۴۳۱ ق، ص ۲۹.

۴. همان، «مع العبد الصالح»، ۱۴۳۱ ق، ج ۱، صص ۴۹-۴۸.



۲. معرفی شاخه «مکتب» در جریان «احمد الحسن»



حجت الاسلام سید حسن سید پور آذر
اپژوهشگر نقد مدعی یمانی

مقدمه

پس از پنهان شدن احمد اسماعیل، پیروان او به شاخه های گوناگونی تقسیم شدند. هر شاخه خود را «فرقه ناجیه» معرفی می کند و دیگر شاخه ها را منحرف می داند.

یکی از مهم ترین این شاخه ها «مکتب» است که در این مقاله به اختصار معرفی می شود.

از نمایندگان اصلی این شاخه می توان به سید حسن حمامی (و پس از درگذشت او، علاء سالم)، سید واثق حسینی، شیخ حبیب سعیدی و شیخ ناظم عقیلی اشاره کرد.

۱.۲. باورهای شاخه مکتب

پیروان این شاخه معتقدند احمد اسماعیل «قائم آل محمد»، امام سیزدهم و وصی سیزدهم پس از پیامبر خاتم (ص) است. همچنین او را نخستین

مهدی از دوازده مهدی می دانند که به اعتقادشان پس از وفات امام زمان (عج)، به ترتیب به امامت می رسند.

آنان حتی پیش از ظهور نیز احمد اسماعیل را امام می دانند و معتقدند او همان «یمانی» و صاحب پرچم های سیاه مشرقی است که وظیفه زمینه سازی و تشکیل حکومت را بر عهده دارد.

این شاخه معتقد است سال های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۲ میلادی دوران غیبت احمد اسماعیل بوده است. به باور آنان، با تأسیس صفحه فیس بوک در تاریخ ۱۲/۱۲/۲۰۱۲ میلادی، دوره غیبت پایان یافت و «ظهور» او آغاز شد؛ او از طریق این صفحه و نمایندگان خود در مکتب با مردم ارتباط دارد.

در این شاخه، «مکتب» نماینده حقوقی احمد اسماعیل به شمار می آید. پیروان آن

۱. عبد الرزاق دیراوی، «ما بعد الاثنی عشر اماماً»، ۱۴۳۳ق، ص ۷۱.

۲. رک: احمد الحسن، «مع العبد الصالح»، ۱۴۳۱ق، ج ۱، صص ۴۹-۵۰؛ ناظم عقیلی، «دراسة فی شخصیه الیمانی»، ۱۴۳۲ق، صص ۱۰-۱۵؛ احمد خطاب، «دابة الأرض وطالع المشرق»، چاپ دوم، ۱۴۳۲ق، ص ۷.

برای مکتب مقام «عصمت تبلیغی» قائل اند و معتقدند هر آنچه از طریق مکتب صادر شود، در حکم سخن احمد اسماعیل است.

پذیرش مکتب و صفحه فیس بوک در این شاخه شرط ایمان شمرده می شود. اعتراض به مکتب را معادل اعتراض به احمد اسماعیل می دانند و کسانی را که از تصمیم های مکتب روی گردان شوند، به نفاق متهم می کنند.

در باور آنان، انتخابات به هر شکلی، به معنای حاکمیت مردم است؛ حاکمیت مردم را نیز کفر و معادل حاکمیت یزید معرفی می کنند.^۱

از دیدگاه شاخه مکتب، تقلید، نیابت عامه فقها از امام زمان (عج) و ولایت فقیه، از بزرگ ترین بدعت ها و انحراف ها در دوران غیبت اند.^۲

آنان به سه گونه رجعت باور دارند: نخست، «رجعت مثل و نظیر»؛ یعنی دوازده مهدی چنان به امامان (ع) شباهت دارند که گویی خود آنان رجعت کرده اند. دوم، «رجعت انفسی»؛ یعنی امامان (ع) به آسمان اول، نه به جهان مادی، رجعت می کنند.^۳ سوم، «رجعت شرایع»؛ یعنی احکام شریعت های پیشین در حکومت قائم بازمی گردند و قائم برپایه آن ها حکم می کند تا در نهایت به احکام اسلامی برسد.^۴

۲.۲. احکام فقهی در شاخه مکتب

از دیدگاه این شاخه، خواندن نماز قضای یک روز در شب قدر، جایگزین همه نمازهای قضا شده می شود.

شهادت به «مهدیین» را به اذان می افزایند.

در رکعت سوم و چهارم نماز، قرائت سوره حمد را واجب می دانند.

پس از تشهد، سه مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» می گویند و سپس سلام پایانی نماز را بر زبان می آورند.

در وضو، پشت پا را به شکل حلقه ای مسح می کنند؛ به گونه ای که دو قوزک پا نیز مسح شوند.

عقد موقت کمتر از شش ماه را جایز نمی دانند. معتقدند متنجس، نجاست را منتقل نمی کند. پرداخت خمس را در دوران غیبت واجب نمی دانند، امام معتقدند با ظهور احمد اسماعیل، پرداخت خمس به او واجب می شود.

۳.۲. وضعیت شاخه مکتب در ایران

تشکیلات رسمی شاخه مکتب در ایران با عنوان های «خادمان یا ممثّلین» و «مؤسسه وارثین ملکوت» شناخته می شود که به صورت شبکه ای در نقاط مختلف ایران فعالیت دارد. پیروان این شاخه موظف به اطاعت کامل از تشکیلات هستند و کسانی که زیر نظر آن فعالیت نکنند یا به آن اعتراض داشته باشند، از سوی مکتب به نفاق متهم می شوند.

برخی از پیروان این شاخه در ایران به مدیریت مکتب و عملکرد خادمان و ممثّلین اعتراض دارند. آنان مسئولان را به ناکارآمدی، فساد مالی، دروغ گویی و خیانت متهم کرده اند و مدعی اند مستندات خود را در نامه ای گردآوری و از طریق فیس بوک برای احمد اسماعیل ارسال کرده اند.

جمع بندی

در این تصویر از شاخه مکتب، باورهای کلامی، شیوه اداره تشکیلات، احکام فقهی و اختلاف های درون گروهی در کنار یکدیگر مطرح شده اند.

۱. احمد الحسن، خطبه «پنجم محرم»، ۱۴۳۲ق، ص ۱۷.

۲. همان، «عقاید الإسلام»، ۱۴۳۷ق، صص ۶۲-۶۶.

۳. همان، «الرجعة ثالث أيام الله الكبرى»، ۱۴۳۳ق، صص ۳۳-۳۴.

۴. همان، «المتشابهات»، چاپ سوم، ۱۴۳۱ق، ج ۳، ص ۴۷.



۳. نقد آموزه‌های جریان «احمد الحسن»

حجت الاسلام سید حسن سید پور آذر
اپژوهشگر نقد مدعی یمانی



مقدمه

محور این مقاله، بررسی دواذعای اصلی پیروان احمد الحسن، یعنی استمرار امامت پس از امام دوازدهم و اطلاق عنوان مهدی موعود بر احمد اسماعیل، بر پایه روایت‌های نقل شده است.

۱۳. ادعای افزایش شمار امامان به ۲۴ نفر

نخستین باور انحرافی این جریان، انحصاری ندانستن حجت‌های الهی در دوازده امام پس از پیامبر اکرم (ص) است. پیروان جریان معتقدند امامت پس از امام زمان (عج) در دوازده مهدی از فرزندان ایشان ادامه می‌یابد و احمد اسماعیل امام سیزدهم از مجموع ۲۴ امام است.

مهم‌ترین مستند آنان روایتی است که شیخ

طوسی در کتاب «الغیبة» نقل کرده است. بنا بر این نقل، پیامبر (ص) در شب وفات خود از امیرالمؤمنین علی (ع) خواست صحیفه‌ای بیاورد و وصیت ایشان را بنویسد. در بخشی از متن نقل شده آمده است: «... پس از من دوازده امام اند و پس از آنان دوازده مهدی.... وقتی وفات او (امام دوازدهم) فرارسد، آن (امامت یا وصایت) را به فرزندش که نخستین مهدیین است، بسپارد. او سه نام دارد: عبدالله، احمد و مهدی؛ او نخستین مؤمنان است». پیروان این جریان همچنین مدعی اند بیش از هفتاد روایت، مضمون این وصیت را تأیید می‌کند.

۲.۳. نقد روایت مورد استناد

این جریان برای اثبات ادعای خود به تحریف لفظی یا معنایی روایات و استناد به اخبار نامعتبر متوسل می‌شود. بیشتر

۱. محمد بن حسن طوسی، «الغیبة»، قم: دارالمعارف الإسلامية، ۱۴۱۱ق، ص ۱۵۰.

روایات مورد استناد، ارتباطی با ادعای آنان ندارند. همچنین در تفسیر روایات متشابهی که ممکن است شبهه عدم انحصار اوصیا در دوازده امام را پدید آورند، صدها روایت صریح دال بر این انحصار را نادیده می‌گیرند.

افزون بر این، روایات مشهوری درباره وصیت پیامبر (ص) در منابع معتبر نقل شده است که بنا بر آن‌ها، حضرت در موقعیت‌های عمومی و خصوصی، به صورت کتبی و شفاهی، اوصیای خود را تا قیامت معرفی کرده و شمار آنان را به دوازده نفر محدود کرده‌اند.

بنابراین، انحصار شمار اوصیا و امامان (ع) پس از پیامبر خاتم (ص) در دوازده نفر، از اصول اعتقادی شیعه است. از این رو، روایات اندک و متشابه باید با توجه به این اصل تفسیر شوند و تفسیری که با آن تعارض داشته باشد، انحرافی به شمار می‌آید.

در ادامه، نمونه‌هایی از روایات مربوط به انحصار شمار اوصیا (ع) و وصیت پیامبر خاتم (ص) آورده می‌شود.

روایات متواتر در حصر تعداد ائمه (ع)

بیش از سیصد روایت با سندهای گوناگون در منابع معتبر شیعه نقل شده است که بر انحصار شمار امامان (ع) دلالت دارند. در این روایات، علاوه بر مقام امامت، عنوان‌هایی مانند «اوصیا»، «حجت‌های الهی»، «خلفا»، «مهدیین» و «قائمین» پس از پیامبر اکرم (ص) نیز به دوازده نفر منحصر دانسته شده‌اند؛ تا نتوان ادعا کرد که فقط شمار امامان دوازده نفر است، اما اوصیا یا حجت‌های الهی بیشترند.

عدد دوازده در این روایات با قرینه‌هایی همراه است که ابهام را برطرف می‌کنند؛ از جمله تشبیه شمار خلفا به ماه‌های سال، نقیبان بنی اسرائیل، حواریون و ساعت‌های روز و نیز اشاره به نه نفر از نسل امام حسین (ع) و هفت

نفر از نسل امام باقر (ع). این قرینه‌ها نشان می‌دهند که مقصود از عدد، محدود کردن شمار افراد است.

این روایات افزون بر تأکید بر عدد، قیدهایی دیگری نیز برای انحصار بیان می‌کنند؛ مانند تعبیر «خاصه» (فقط)، انحصار آیه تطهیر به چهارده معصوم، محکوم کردن مدعیان امامت خارج از دوازده امام، انحصار وراثت علم امامت به امامان دوازده‌گانه و پایان یافتن امامت و وصایت به مهدی، که «خاتم امامان» و «باقی‌مانده حجت‌های الهی» معرفی می‌شود.

همچنین در برخی روایات، قیدهایی زمانی مانند «امامان این امت»، «تا قیامت» و «تا هنگام ورود بر پیامبر در حوض» آمده است؛ تا انحصار عددی به دوره‌ای خاص محدود نشود و نتوان برای دوران پس از آن، امامان یا اوصیای دیگری فرض کرد.

از میان این روایات، به سه نمونه اکتفا می‌شود:

امام صادق (ع) فرمودند: «امامان پس از پیامبر ما دوازده نفرند؛ هر کس یک نفر به این دوازده نفر بیفزاید یا از آنان بکاهد، از دین خدا خارج شده و از ولایت ما بهره‌ای نخواهد داشت»^۱.

همچنین از ایشان نقل شده است: «غیبت حضرت مهدی (عج) چنان طولانی می‌شود که گروهی گمراه می‌شوند و برخی از گمراهان می‌گویند امامت از دوازده نفر فراتر رفته و به امام سیزدهم و بیشتر

۱. شیخ مفید، «الاختصاص»، قم: المؤتمر العالمی، ۱۴۱۳ق، ص ۲۳۳.

۲. همان، «عقاید الإسلام»، ۱۴۳۷ق، صص ۶۲-۶۶.

معتقد می شوند^۱».

سلمان فارسی روایت می کند: هنگامی که آیه اکمال دین نازل شد، پیامبر (ص) تکبیر گفت و کمال نبوت، دین و ولایت علی (ع) را ستود. سپس عمر و ابوبکر پرسیدند: «ای رسول خدا، آیا این آیات مخصوص علی است؟» پیامبر (ص) فرمود: «آری؛ درباره او و اوصیای من تا روز قیامت است.» آنان درخواست معرفی اوصیا را کردند. پیامبر (ص) فرمود: «علی، برادر، وزیر، وارث، وصی و جانشین من در امتم و ولی هر مؤمنی پس از من است؛ سپس فرزندانم حسن، سپس فرزندانم حسین و پس از او نه نفر از فرزندان حسین، یکی پس از دیگری. قرآن با آنان و آنان با قرآن اند؛ نه آنان از قرآن جدا می شوند و نه قرآن از آنان، تا در حوض (قیامت) بر من وارد شوند^۲».

روایت های مشهور از وصیت پیامبر (ص)

وصیت، به معنای سفارش انسان درباره ماترک او پس از مرگ است؛ یعنی آنچه از وی به جامی ماند. در اسلام بر وصیت کردن بسیار تأکید شده است؛ تا جایی که شایسته نیست مؤمن شبی را بدون وصیت بگذراند. البته هنگام احتضار، آخرین فرصت برای وصیت به شمار می آید^۳.

بر این اساس، شایسته نیست پیامبر خاتم (ص) وصیت نکرده باشد، آن را تا لحظه مرگ به تأخیر انداخته یا به گونه ای وصیت کرده باشد که موجب اختلاف امت شود. پیامبر (ص) پس از اعلام رسالت، به ویژه از غدیر تا وفات، بارها وصیت و ماترک خود را معرفی کردند؛ از جمله فرمودند: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ وَ عِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي^۴». ایشان همچنین بارها اهل بیت (ع) را به صراحت نام بردند تا در وصیت ابهامی باقی نماند. باین حال، گروهی کوشیده اند چنین القا کنند که پیش از وفات پیامبر (ص)، وحی تازه ای نازل شد.

در متن آمده است که ابوبکر مدعی شد پس از غدیر فرمان جدیدی نازل شده و پیامبر فرموده اند: «نبوت و خلافت در خاندان من جمع نمی شود^۵» تکرار وصیت و معرفی ماترک از غدیر تا وفات رارذی بر این ادعا می داند. در این بخش، سه روایت از وصیت پیامبر (ص) نقل می شود:

بر پایه روایات، خطبه غدیر وصیت رسمی و آسمانی پیامبر (ص) دانسته شده است^۶. در بخشی از خطبه آمده است: «...ای مردم، نور از جانب خدا در من، سپس در علی و پس از او در نسلش تا قائم مهدی جاری است. قائم مهدی حق خدا و همه مؤمنان را می ستاند.... ای مردم، من پیامبرم و علی وصی من است. بدانید که خاتم امامان از ما، قائم مهدی است. او بر همه دین پیروز می شود.... بدانید که امور به او واگذار می شود و او حجت الهی ماندگار است و پس از او حجتی نیست....

۱. شیخ صدوق، «کمال الدین»، تهران: اسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۳۵۵.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۷۷؛ برای نقل کامل تر، رک: نعمانی، «الغیبة»، تهران: نشر صدوق، چاپ دوم، ۱۴۱۸ق، صص ۶۹-۷۱.

۳. بقره: ۱۸۰: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْأُولَادِ الَّذِينَ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ».

۴. احمد بن حنبل، مسند احمد بن حنبل، ج ۱۸، ص ۱۱۴؛ طبرانی، سلیمان بن أحمد، المعجم الكبير، ج ۵، ص ۱۶۶، حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۶؛ طحاوی، أحمد بن محمد، شرح مشکل الآثار، ج ۵، ص ۱۸؛ شیخ طوسی، محمد بن حسن، امالی، ص ۵۴۸؛ اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه، ج ۱، ص ۶۵؛ کمال الدین، المجلس العشرون، ج ۱، ص ۲۳۹؛ طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، ج ۳، ص ۴۸۰، تحقیق و نشر: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، الطبعة: الاولى، ۱۴۱۸هـ.ق.

۵. شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۵۷ و ص ۵۸.

۶. فتال نیشابوری، «روضة الواعظین»، قم: انتشارات رضی، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۸۹؛ علی بن ابراهیم قمی، «تفسیر القمی»، قم: دارالکتاب، چاپ سوم، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۷۴.

مأمور شدم برای شما بیعت بگیرم تا آنچه را درباره علی امیرالمؤمنین (ع) و امامان پس از او از سوی خدا آورده‌ام، بپذیرید؛ امامانی که از من و اویند و آخرینشان مهدی است، تا روز قیامت^۱».

سلیم بن قیس نقل می‌کند که علی (ع) فرمود: «هنگامی که شما (طلحه و عمر و....) رفتید، رسول خدا (ص) آنچه را می‌خواست بنویسد و مردم را بر آن گواه بگیرد، به من خبر داد. جبرئیل نیز خبر داد که خدا می‌داند امت به زودی دچار اختلاف و تفرقه می‌شوند. سپس پیامبر صحیفه‌ای خواست و آنچه را قصد نوشتنش را داشت به من املا کرد. سلمان، ابوذر و مقداد را نیز گواه گرفت و امامان هدایتگری را که خدا به اطاعتشان فرمان داده است، تا قیامت نام برد: نخست مرا، سپس فرزندانم حسن، پس از او فرزندانم حسین و سپس نه نفر از فرزندان حسین را نام برد....^۲».

در نقل دیگری آمده است که پیامبر خاتم (ص) در روز وفات، در مسجد و در حضور مردم خطبه خواند و وصیت کرد: «در میان شما دو چیز به جا می‌گذارم که اگر از آن‌ها پیروی کنید، هرگز گمراه نمی‌شوید: کتاب خدا و اهل بیت....» خلیفه دوم پرسید: «ای رسول خدا، همه اهل بیت شما؟» حضرت فرمود: «خیر، بلکه اوصیای من؛ نخستین آنان علی (ع) است.... سپس فرزندانم حسن.... سپس فرزندان حسین.... سپس فرزندش محمد.... سپس فرزندش جعفر.... سپس فرزندش موسی.... سپس فرزندش علی.... سپس فرزندش محمد.... سپس فرزندش حسن.... و پس از او فرزندش محمد، مهدی این امت است.... آنان یکی پس از دیگری می‌آیند تا در حوض (قیامت) بر من وارد شوند^۳».

دیدگاه شیخ طوسی درباره روایت وصیت به ۲۴ نفر

وصیت، به معنای سفارش انسان درباره ماترک او پس از مرگ است؛ یعنی آنچه از وی به جامی ماند.

ممکن است پرسیده شود: اگر روایت وصیت پیامبر (ص) درباره دوازده امام و دوازده مهدی معتبر نیست، چرا شیخ طوسی آن را نقل کرده است؟

نخست، شیخ طوسی برای اثبات انحصار امامان در عدد دوازده به روایات متواتر استناد می‌کند و روایت وصیت را نیز در کنار آن‌ها می‌آورد. این کار لزوماً به معنای معتبر دانستن حدیث وصیت نیست؛ بلکه تواتر روایات مربوط به انحصار اوصیا در دوازده امام مورد تأکید است.

دوم، شیخ طوسی پیش و پس از نقل این روایات تصریح می‌کند که شمار امامان فقط دوازده نفر است و افزایش یا کاهش نمی‌یابد. سوم، شیخ طوسی اعتقاد به وجود فرزند برای امام زمان (عج) و پذیرش امام سیزدهم را باطل می‌داند. بنابراین، دیدگاه او درباره ردّ امامت «مهدیین» پس از وفات امام زمان (عج)، روشن است^۴.

۱. فتال نیشابوری، «روضة الواعظین»، قم: انتشارات رضی، ۱۳۷۵ ش، ج ۱، صص ۹۵-۹۸.

۲. نعمانی، «الغیبة»، تهران: نشر صدوق، چاپ دوم، ۱۴۱۸ ق، صص ۸۱-۸۲؛ برای روایت دیگری از وصیت مکتوب، رک: سلیم بن قیس هلالی، «کتاب سلیم»، قم: الهادی، ۱۴۰۵ ق، ج ۲، ص ۸۷۹.

۳. سلیم بن قیس هلالی، «کتاب سلیم»، قم: الهادی، ۱۴۰۵ ق، ج ۲، صص ۷۶۲-۷۶۳؛ نیز با اندکی تفاوت: نعمانی، «الغیبة»، تهران: نشر صدوق، چاپ دوم، ۱۴۱۸ ق، صص ۷۳-۷۴.

۴. الغیبة، شیخ طوسی، ص ۲۲۸.



۳.۳. ادعای قائم بودن و مهدویت احمد الحسن

پیروان احمد اسماعیل او را «قائم آل محمد» می‌دانند. در باور این جریان، «مهدی موعود» و «قائم موعود» که در روایات به او بشارت داده شده، شخصیتی غیر از امام دوازدهم شیعیان است. آنان معتقدند اوصاف ذکر شده برای مهدی موعود در بسیاری از روایات، بر امام دوازدهم صدق نمی‌کند و به صورت رمزی به شخص دیگری اشاره دارد.

همچنین مدعی‌اند منجی موعود همه ادیان آسمانی، احمد اسماعیل بصری است. علاء سالم، از اعضای شاخه مکتب، تصریح می‌کند که احمد اسماعیل منجی موعود همه ادیان آسمانی است و مقصود از «پسر انسان» در انجیل که سوار بر ابرهای سفید

چهارم، نقل روایات متشابه به دست علما، لزوماً به معنای پذیرش تفسیری نیست که فرقه‌های مختلف ارائه می‌دهند. علمای شیعه برای تبیین این روایات، توضیح‌هایی سازگار با اصول اعتقادی مطرح کرده‌اند. برای نمونه، حسن بن سلیمان روایت وصیت به دوازده مهدی و روایات مشابه را در بحث رجعت امامان (ع) آورده است.

احتمال دیگر آن است که مراد از دوازده مهدی، دوازده نقیبی باشند که هنگام ظهور کنار امام زمان (عج) حاضر می‌شوند و در حکومت ایشان، والیان مناطق مختلف یا امامان جماعت‌اند. همچنین نقل شده است که امام صادق (ع) در پاسخ به ابوبصیر که گفته بود: «از پدر شما شنیدم پس از قائم دوازده مهدی خواهند بود»، فرمود: «پدرم نفرمود دوازده امام؛ بلکه فرمود دوازده مهدی. لکن آنان گروهی از شیعیان ما هستند که مردم را به پیروی از ما و شناخت حق مادیات می‌کنند»^۱.

۱. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۸.

می‌آید، اوست. سپس تصویر ماهواره‌ای دود آتشفشانی را که به گمان وی شبیه نام «احمد» است، دلیلی بر این ادعای می‌گیرد.^۱

وی در مقدمه کتاب خود می‌گوید حقیقتی که تاکنون از همگان پنهان مانده، با ظهور آن منجی آشکار شده است: مردم زمین در انتظار یک مردند که پیامبران به او بشارت داده‌اند و ویژگی‌های جسمانی، دولت، روزگار، یاران و دیگر امور مربوط به او بیان شده است. به ادعای او، این کتاب روشن می‌کند که آن مرد کیست.^۲

پاسخ به ادعای مهدویت

در مواجهه با شبهات، شناخت اصول اعتقادی و تبیین مسائل بر پایه آن‌ها ضروری است. با توجه به اصل انحصار اوصیا در دوازده امام، بطلان این ادعا روشن می‌شود. با این حال، معیار اعتقادی دیگری نیز برای نقد این ادعا بررسی می‌شود.

اختصاص لقب «قائم» و «مهدی» به امام دوازدهم (عج)

لقب‌های «قائم» و «مهدی» در روایات دو کاربرد عام و خاص دارند. در کاربرد عام، همه امامان (ع) قائم و مهدی خوانده می‌شوند؛ اما در کاربرد خاص، «قائم موعود» و «مهدی موعود» که عدالت را در زمین می‌گسترانند، تنها بر امام دوازدهم اطلاق می‌شود و دیگر امامان با این قید نامیده نمی‌شوند.^۳

از میان ده‌ها روایت، به چند نمونه اشاره می‌شود: امام باقر (ع) فرمودند: «پس از حسین بن علی (ع) نه امام خواهند بود و نهمین آنان، قائم آنهاست».^۴

از رسول خدا (ص) نقل شده است: «خداوند از نسل حسین امامانی قرار داده است که نهمین آنان، قائم اهل بیت من و مهدی امت من است و شبیه‌ترین مردم به من خواهد بود...».^۵ از رسول خدا (ص) در شب معراج نقل شده

است: «پروردگارا، اوصیای من چه کسانی‌اند؟» ندا آمد: «ای محمد، نام اوصیای تو بر ساق عرش نوشته شده است.» سپس فرمود: «نگاه کردم و دوازده نور دیدم که نام هر یک از اوصیایم با خط سبز نوشته شده بود؛ نخستین آنان علی بن ابی‌طالب و آخرینشان مهدی امت من بود...».^۶

جمع‌بندی

بنابراین، از اصول اعتقادی شیعه دوازده‌امامی این است که لقب‌های «قائم آل محمد» و «مهدی آل محمد» در معنای خاص خود، به امام زمان (عج) اختصاص دارند. استناد به متون متشابه، تفسیر به رأی و بی‌توجهی به این اصل، از نظر او از شاخصه‌های برداشت‌های باطل در مهدویت است.

۱. علاء سالم، «قبل الطوفان الثانی»، ۱۴۳۳ق، ص ۳۱.

۲. همان، ص ۳.

۳. خزاز رازی، «کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الاثنی عشر»، قم: بیدار، ۱۴۰۱ق، ص ۲۸۲.

۴. کلینی، «الکافی»، تهران: دارالکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۳۳.

۵. شیخ صدوق، «کمال الدین»، تهران: اسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۲۵۸.

۶. همان، ص ۲۵۶.



۴. آسیب‌های اجتماعی جریان «احمد الحسن»



حجت الاسلام سید حسن سید پور آذر
اپژوهشگر نقد مدعی‌پمانی

مقدمه

جریان احمد الحسن صرفاً یک نحله فکری نیست، بلکه باکنش‌های سیاسی و اجتماعی خود می‌تواند برای جامعه تهدید آفرین باشد. برخی از رفتارهای منتسب به این جریان در ادامه بررسی می‌شوند.

۱.۴. تکفیر شیعیان

در «بیانیه براءت» اعلام شده است که هر کس تا تاریخ ۱۳ رجب ۱۴۲۵ قمری با احمد اسماعیل بیعت نکند، کافر است. همچنین بنا بر نقل در کتاب‌های «شرایع» و «الجواب المنیر»، کسانی که با او مقابله یا دشمنی کنند، «ناصبی» و «نجس» خوانده شده‌اند.

۲.۴. جواز سرقت اموال

در برخی متون منتسب به این جریان، تصرف در اموال خصوصی و دولتی با شرایطی جایز شمرده شده است. مانند:

«حکومت طاغوت هیچ تملکی ندارد و اموال در سرزمین‌های مسلمانان برای امام (ع) و مسلمانان است؛ بنابراین، اموالی که از حکومت طاغوت دریافت کرده‌ای و به سبب نیاز مالی به آن‌ها محتاج بوده‌ای، از آن توست؛ زیرا تواز مسلمانانی....».

«(هک کردن شبکه اینترنتی و استفاده از آن) جایز نیست؛ مگر آنکه صاحب شبکه با ائمه و مهدیین دشمنی داشته باشد. در این صورت، مال او محترم نیست».

«با دشمنان ائمه یا مهدیین و همچنین پیروان آنان دشمنی کن. مال آنان محترم نیست و

۱. احمد الحسن، «پاسخ‌های فقهی»، ۱۳۹۶ ش، ج ۱، ص ۲۳.
۲. همان، ص ۹۳.

برای شما جایز است همه یا بخشی از آن (اموال شرکت خصوصی) را برای خود برداری؛ به شرط آنکه این کار ممکن باشد و زیانی به شما نرساند».

۳.۴. وجوب قیام علیه حکومت

احمد بصری در یکم شوال ۱۴۲۴ قمری، در نامه‌ای خطاب به «رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران» می‌نویسد:

«بر تو واجب است حکومت ایران را به وصی امام مهدی (ع) تسلیم کنی؛ در غیر این صورت، از فرمان امام مهدی (ع) سرپیچی کرده‌ای. همچنین بر مردم شریف ایران در سرزمین‌های ری واجب است مرا در حکومت سرزمین‌های ایران به قدرت برسانند».

احمد اسماعیل در نامه‌ای دیگر به مردم عراق، آنان را به پیروی از خود فرامی‌خواند و می‌گوید: «پدرم محمد بن الحسن دستور داده است با نافرمانان با شمشیر حکم کنم و چیزی جز مرگ در سایه شمشیر نیست».

پیروان این جریان بر همین اساس، شرکت در انتخابات را تحریم کرده‌اند.

۴.۴. دشمنی با علما و معرفی آنان به عنوان دجال و سفیانی

در کتاب «المعممون بالنفاق» که در وبگاه رسمی شاخه مکتب منتشر شده است، تلاش شده روایات دجال بر آیت‌الله سیستانی تطبیق داده شود. در این اثر، از ایشان با عنوان «دجال یک چشم» یاد شده و تعبیرهای توهین‌آمیزی درباره علمای عراق به کار رفته است که نویسندگان از بازگویی آن‌ها خودداری می‌کند.^۲

۵.۴. اقدامات خشونت‌آمیز و شورش مسلحانه

در عاشورای سال ۲۰۰۸ میلادی در ناصریه عراق، پیروان احمد الحسن دست به شورش مسلحانه زدند.

رهبران جریان در سال‌های بعد کوشیدند این رویداد را دفاع از خود معرفی کنند. با این حال، نویسندگان با استناد به آثار و بیانیه‌های آنان می‌گویند این گروه در پی قیام بوده و قیام و شکست خود را با قیام امام حسین (ع) مقایسه کرده است.^۳ همچنین احمد اسماعیل در عاشورای ۲۰۰۸ میلادی بیانیه‌ای موسوم به «بیانیه قیام» یا «بیانیه دهم محرم» صادر کرده که در آن علما و شیعیان را تهدید کرده است.

۶.۴. تغییر تاکتیک و رویکرد نفاق

از نکات مهم در بررسی این جریان، تغییر شیوه فعالیت پس از شکست‌های پیشین است، پس از شورش مسلحانه سال ۲۰۰۸، این جریان دیگر به صورت رسمی و آشکار علیه حکومت‌ها و علما موضع نمی‌گیرد و حتی بیانیه‌هایی در حمایت از حکومت ایران صادر کرده است؛ با این حال، در فضای مجازی و محافل محدود، همچنان فعالیت تبلیغی و مواضع خصمانه علیه حکومت و علما را ادامه می‌دهد.

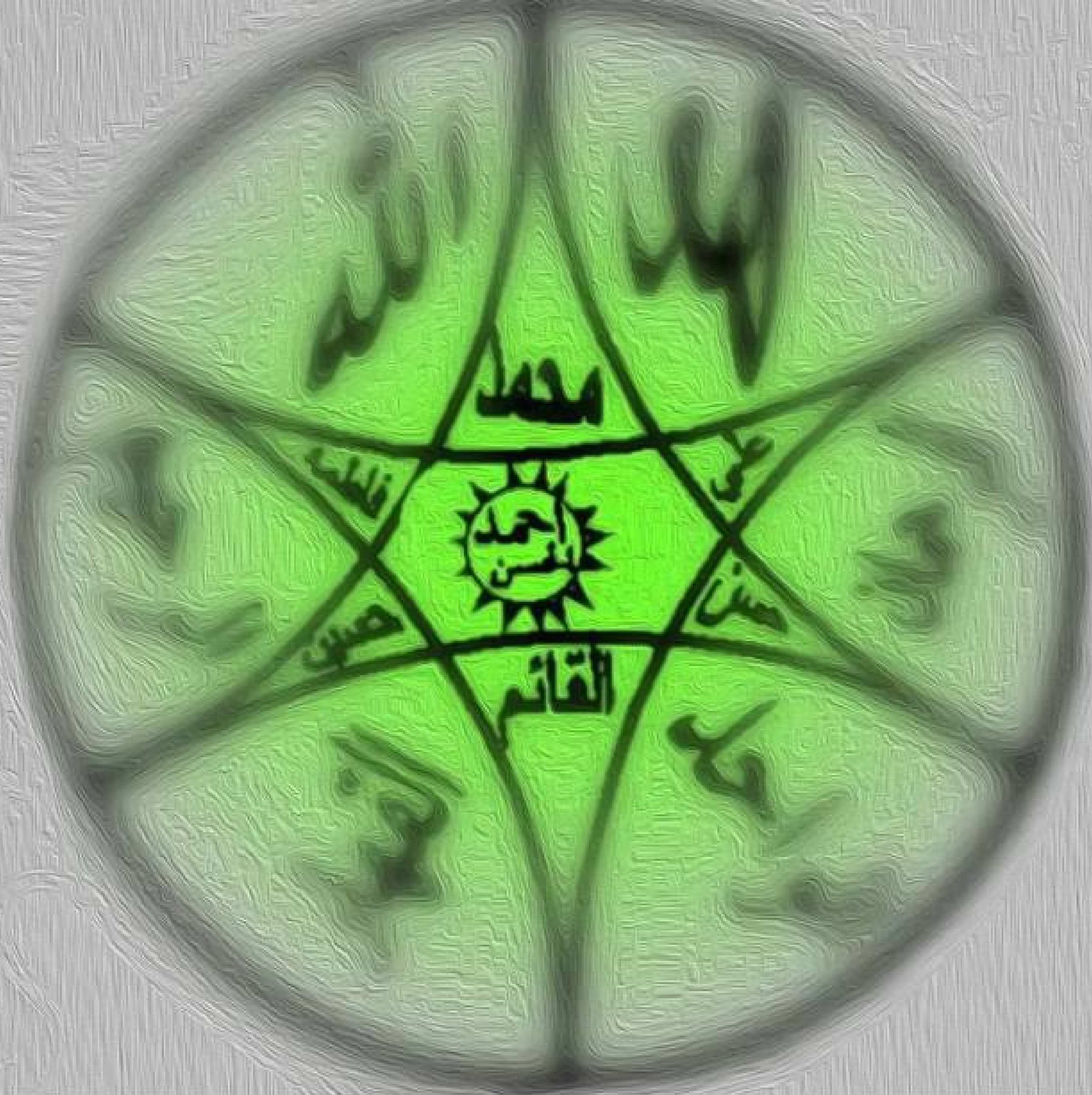
جمع‌بندی

بر پایه این گزارش، کنش‌های این جریان را فراتر از اختلاف اعتقادی ارزیابی می‌شود و به آثار اجتماعی و سیاسی آن توجه می‌دهد.

۱. احمد الحسن، «پاسخ‌های روشن‌گر در بستر امواج»، چاپ دوم، ۱۳۹۴ ه.ش، ج ۴، ص ۳۴۶.

۲. حسین منصوری، «المعممون بالنفاق»، ۱۴۳۳ ق، ص ۸۹.

۳. احمد الحسن، «الجواب المنیر»، چاپ دوم، ۱۴۳۱ ه.ق، ج ۳، صص ۴۱ و ۴۵.



۵. عوامل پیدایش و زمینه‌های شکل‌گیری جریان «احمد الحسن»

مأخذ:



برگرفته از نشریه «امان»، شماره ۷۵

مقدمه

عوامل پیدایش جریان‌های انحرافی، به‌ویژه جریان احمدالحسن را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: عوامل پدیدآورنده یا بسترهای آغازین و عوامل استمرار بخش یا زمینه‌های تداوم و گسترش.

۱.۵ الف. سبب‌های پدید آورنده

۱. ناآگاهی و کم‌اطلاعی عموم مردم

یکی از رایج‌ترین زمینه‌های پیدایش ادعاهای موهوم، کمبود آگاهی دینی و مهدوی در میان مردم است. به‌باور نویسنده، مدعیان با بهره‌گیری از این ناآگاهی، روایات را تحریف یا تقطیع و نشانه‌های ظهور را به دلخواه بر خود تطبیق می‌کنند.

احمد اسماعیل بصری (احمد الحسن) نیز، با بهره برداری از ناآگاهی برخی مخاطبان درباره روایات و نشانه‌های ظهور، خود را «یمانی موعود» و فرزند امام زمان (عج) معرفی کرده است.

همچنین ناآگاهی از بُعد معنوی و حقیقت جهان شمولی اسلام موجب شده است گروهی جذب مدعیان شبه عرفانی، مانند جریان «عرفان حلقه»، شوند؛ جریان‌هایی که ظهور را پدیده‌ای صرفاً فکری و زمینی، نه تحقق عینی حاکمیت دین الهی، معرفی می‌کنند.^۱

۲. آشفتگی‌های اجتماعی و نابسامانی‌های اقتصادی

هنگامی که بحران‌های معیشتی و فشارهای روانی فراگیر می‌شوند، گروهی از مردم در پی پناهگاه و راه نجات برمی‌آیند. در چنین شرایطی، افراد سودجو با وعده گشایش، سفارش به ذکرها و اواراد خاص و نقل حکایت‌های معجزه‌نما، افراد درمانده را به خود جذب می‌کنند.

۱. رک: مظاهری سیف، «عرفان حلقه»؛ مقالات مجله «شفافیت».

۳. جاه طلبی و زیاده خواهی

علاقه افراطی به شهرت، مریدپروری و دستیابی به منافع مادی، از انگیزه‌های برخی بنیان‌گذاران این جریان‌هاست.

احمد اسماعیل پس از ورود به حوزه نجف کوشید با متهم کردن علمای شیعه به فساد مالی، نظر طلاب را جلب کند. اما وقتی در همراه کردن آنان ناکام ماند و از نبود حمایت گلایه کرد، ادعای ارتباط با امام زمان (عج) و حجیت خواب و استخاره را مطرح ساخت تا با بهره‌گیری از احساسات دینی مردم، توجه جامعه را به خود معطوف کند.

وی با طرح دیدگاه‌های خلاف مشهور و تفسیر آیه «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ» درباره امیرالمؤمنین علی (ع)، کوشید علما را به نقد خود وادارد و از این طریق شناخته‌تر شود.^۱

۴. ضعف اعتبار برخی متون و منابع روایی

یکی از آسیب‌های جدی در فرهنگ مهدویت، وجود روایت‌های جعلی، منکر یا مرسل در برخی کتاب‌های حدیثی است. این‌گونه نقل‌های بدون مأخذ یا کم اعتبار ممکن است دستاویز استدلال مدعیان قرار گیرند.

کتاب‌هایی مانند «الفتن» اثر نعیم بن حماد، «شرح الأخبار» قاضی نعمان، «بیان الأئمة» و برخی روایت‌های مرسل «إلزام الناصب» از نمونه‌هایی‌اند که به سبب وجود گزارش‌های ضعیف یا اسرائیلیات، دستمایه استدلال‌های مغالطه آمیز جریان‌های انحرافی مهدویت، از جمله جریان احمد الحسن شده‌اند.

۵. نفوذ و حمایت آشکار و پنهان قدرت‌های استعماری

آموزه مهدویت و انتظار از عوامل پویایی، ستم‌ستیزی و ایستادگی در برابر استبداد و استعمار است. از این رو سرویس‌های اطلاعاتی و قدرت‌های

بیگانه با پشتیبانی از مدعیان دروغین، می‌کوشند این باور را تضعیف یا مخدوش کنند. پیوند بهائیت و برخی سران آن با قدرت‌های استعماری، از جمله روسیه تزاری و انگلستان و نقش ادعایی دولت بریتانیا در حمایت از میرزا غلام احمد، بنیان‌گذار قادیانیه در شبه قاره هند را از مصادیق این مسئله می‌شمارد.

همچنین شاخه‌هایی از جریان احمد الحسن با سرویس‌های اطلاعاتی ارتباط پنهان یا آشکار دارند؛ و اعضای از شاخه مکتب در عراق سهام دار شرکت‌های صهیونیستی و آمریکایی‌اند، با سفارت انگلستان روابط مشکوک داشته‌اند و سید واثق حسینی، نماینده مکتب، در امارات با مأمور موساد دیدار کرده است.

شاخه «رایات سود» در آمریکا مجوز ثبت «دین صلح و نور احمدی» و در انگلستان مجوز تأسیس خیریه دریافت کرده و در شهر «گرو» انگلستان پایگاهی ایجاد کرده است. همچنین ادعای حمایت مالی آمریکا از این دین مطرح شده است.

۲.۵. ب. سبب‌های استمرار بخش جریان‌های انحرافی

پیدایش یک فرقه، مرحله‌ای از حیات آن است؛ اما دوام و گسترش آن به عوامل دیگری بستگی دارد:

۱. اباحی‌گری و تکلیف‌گریزی

برخی جریان‌های مدعی، التزام به شریعت و احکام رساله‌های عملیه را منسوخ یا بی‌فایده معرفی می‌کنند. آنان با شعار بی‌نیازی از تقلید و القای برتری پیروان خود بر فقها، بار تکالیف شرعی را از دوش مریدان برمی‌دارند؛ زیرا رهایی

۱. عصر، ۲.

۲. احمد الحسن، المتشابهات، چاپ سوم، ۱۴۳۱ق، ج ۳، ص ۷۲.

از برخی قیده‌های فقهی می‌تواند برای افراد راحت طلب جذاب باشد.

نمونه‌های یادشده برای شاخه مکتب عبارت‌اند از: بدعت دانستن تقلید، واجب ندانستن پرداخت خمس به علما، کافی دانستن یک روز نماز قضا در شب قدر به جای «۸۰ نماز قضا»، اجباری ندانستن پوشش و اعطای مدارک علمی به پیروان.

برای شاخه رایات سود نیز مواردی مانند حرام ندانستن شراب، واجب ندانستن نماز و حجاب ذکر شده است.

۲. غفلت و سکوت خواص

برخی صاحب نظران با این توجیه که «پرداختن به جریان‌های نوظهور باعث بزرگ‌نمایی و تبلیغ آن‌ها می‌شود»، از موضع‌گیری و روشنگری به موقع خودداری می‌کنند. چنین انفعالی فرصتی برای تحکیم پایگاه مدعیان فراهم می‌کند؛ همانند تسامح برخی علمای عصر قاجار در آغاز فعالیت علی محمد باب و بی‌توجهی شماری از عالمان عراق و ایران به نقد جریان احمدالحسن.

در همین زمینه، از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است: «هرگاه بدعت‌ها در امت من آشکار شود، بر عالم واجب است دانش خود را آشکار [و بدعت را ابطال] کند؛ و هر کس چنین نکند، لعنت خدا بر او باد».

۳. ساخت حکایت‌ها، کرامات دروغین و ادعای مکاشفات

مدعیان برای وابسته نگه داشتن پیروان، به سناریوسازی، نقل خواب‌ها، ادعای تشریف و رؤیاهای جهت‌دار روی می‌آورند تا کمبود ادله عقلی و روایی را با تجربه‌های حسی و ذوقی جبران کنند.

شاخه مکتب کتابی با عنوان «کرامات و غیبات»

تدوین کرده است که در آن، کرامت‌هایی به احمد الحسن نسبت داده می‌شود. نقل رؤیاهای پیروان در جلسات نیز برای دلگرم کردن آنان و کاستن از توجهشان به شبهات و اشکالات به کار می‌رود. شاخه رایات سود نیز با تولید کلیپ، کراماتی را به عبدالله هاشم نسبت می‌دهد.

جمع‌بندی

مجموعه‌ای از زمینه‌های شناختی، اجتماعی، اقتصادی و تشکیلاتی را در پیدایش و تداوم چنین جریان‌هایی مؤثر می‌داند.

۱. کلینی، «الکافی»، تهران: دارالکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۴.



۶. کارکرد نشانه‌های ظهور و نقد ادعای «احمد الحسن»

مأخذ:



برگرفته از نشریه «امان»، شماره ۷۵

مقدمه

یکی از آفت‌های بحث انتظار و مهدویت، «تطبیق گرایی» درباره نشانه‌های ظهور است. برخی مدعیان با تطبیق این نشانه‌ها بر خود، زمینه طرح ادعاهای نادرست را فراهم می‌کنند.

اما اگر تطبیق نشانه‌های ظهور جایز نیست، چرا اهل بیت (ع) درباره «نشانه‌ها» سخن گفته‌اند؟

برای پاسخ، باید ابتدا کارکرد نشانه‌های ظهور و سپس ضوابط تطبیق آن‌ها بررسی شود. نویسندگان تأکید می‌کنند که اصل تطبیق ممنوع نیست؛ آنچه موجب انحراف و سوء استفاده مدعیان می‌شود، تطبیق بدون رعایت شرایط و ویژگی‌های ذکر شده در روایات است.

۱۶. کارکردهای نشانه‌های ظهور

کارکردهای ایجابی (امیدبخشی) مقابله با ناامیدی ناشی از طولانی شدن غیبت. پیشگیری از غفلت و فراموشی امام زنده. تبدیل «نشانه» به راهی برای شناخت «صاحب نشانه»، یعنی امام مهدی (عج).

کارکردهای سلبی (بازشناسی ادعاهای باطل)

۱. شناسایی قیام‌های باطل: ارائه معیارهایی برای تمایز قیام‌های حق، از جمله علم، صداقت، دعوت نکردن به خود، داشتن برنامه و ادعا نکردن قانمیت و مهدویت.

درباره قیام «زید» از امام صادق (ع) معیارهایی نقل شده است: کسی که قصد قیام دارد و می‌خواهد حکومت را به امام بسپارد، باید عالم و دین‌شناس («كَانَ عَالِمًا») و صادق («صَدُوقًا») باشد؛ به خود دعوت نکند («لَمْ يَدْعُكُمْ إِلَى نَفْسِهِ»)، بلکه به «رضا از آل محمد» فراخواند.

«إِنَّمَا دَعَاكُمْ إِلَى الرِّضَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ» و اقدام او با برنامه و هدف همراه باشد («إِنَّمَا خَرَجَ إِلَى سُلْطَانٍ مُجْتَمِعٍ لِيَنْقُضَهُ»)^۱.

۲. نفی مدعیان دروغین: معرفی زنجیره‌ای از نشانه‌های الهی که تا پیش از تحقق آن‌ها، هر ادعای نیابت یا مهدویت دروغین و باطل دانسته می‌شود.

۲.۶. پنج معیار برای تطبیق نشانه‌ها بر حوادث

برای سنجش ادعای احمدالحسن یا هر مدعی دیگر بر پایه نشانه‌های ظهور، رعایت پنج شرط را لازم است:

۱. یقین آوردن: تطبیق نباید بر حدس، گمان یا شباهت‌های ذوقی استوار باشد. اشتباه در تطبیق مسائل مهمی مانند ادعای یمانی بودن، می‌تواند آثار جدی بر باور و زندگی مؤمنان بگذارد.

۲. اجتماع بالفعل همه اوصاف: شخص موردنظر باید هم‌اکنون همه ویژگی‌های ذکرشده در روایات را داشته باشد. برای نمونه، یمانی اهل یمن است، قیام او از یمن آغاز می‌شود و خروجش با خروج سفیانی از شام هم‌زمان است. بنابراین، نمی‌توان گفت: «او یمانی است و در آینده همه نشانه‌ها در او جمع خواهد شد!»

۳. پرهیز از تأویل بی ضابطه: مصداق باید تابع معنای متن باشد، نه اینکه معنای متن را برای انطباق با مصداق تغییر دهیم؛ برای مثال، واژه «یمانی» را برخلاف ظاهر روایت، به کسی تأویل کنیم که «دارای یمن و برکت»، «اهل یمن» یا «دست راست امام زمان (عج)» است.

۴. هماهنگی با معارف قطعی: تطبیق نباید با اصول مسلم اسلام، مانند عصمت امام، تعارض داشته باشد؛ چنان‌که تطبیقی که به پذیرش فردی فاسق یا

منحرف در جایگاه امامت بینجامد، نادرست است.

برای نمونه، امام حسن عسکری (ع) نشانه‌هایی را به ابوالادیان بیان کردند تا جانشین ایشان را بشناسد. برخی نشانه‌ها ظاهراً در جعفر، برادر امام، نیز دیده شد؛ اما ابوالادیان با اتکا به چند نشانه، ادعای او را نپذیرفت، زیرا به باورش رفتار جعفر با مقام امامت سازگار نبود. او پس از بررسی مجموعه نشانه‌ها، به امام زمان (عج) راه یافت.^۲

۵. عرضه بر نشانه‌های غیر قابل جعل: باید به نشانه‌هایی توجه کرد که امکان جعل یا شبیه‌سازی ندارند؛ مانند «صیحه آسمانی» و «خسف بیداء». به باور نویسنده، مدعیان معمولاً نشانه‌های عادی را بر خود تطبیق می‌دهند و از نشانه‌های معجزه‌گونه فاصله می‌گیرند.

۳.۶. جمع‌بندی کاربردی برای نقد ادعای احمد الحسن

روش احمد الحسن در تطبیق نشانه‌های ظهور، بر تأویل و استفاده از شباهت‌های ظاهری برای جلب توجه استوار است.

جمع‌بندی

پاسخ پیشنهادی چنین است: «بر پایه ضوابط پنج‌گانه، هنگامی که ادعای احمد الحسن با اصول اعتقادی، مانند عصمت، مهدویت و حاکمیت الهی، تعارض دارد و همه نشانه‌های قطعی و غیر قابل شبیه‌سازی در او دیده نمی‌شود، تطبیق او بر نشانه‌های ظهور، تأویلی غیر مستند و باطل است.»

۱. کلینی، «الکافی»، تهران: دارالکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۲۶۴.

۲. شیخ صدوق، «کمال الدین»، تهران: اسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۹۰ هـ.ق، ج ۱، ص ۴۷۵.



۷. سنجش اعتبار منابع مورد استناد مدعیان

مأخذ:



برگرفته از نشریه «امان»، شماره ۷۵

مقدمه

بحث مهدویت و حوادث آخر الزمان به سبب ماهیت نقلی خود، به روایت ها و متون حدیثی وابسته است. برای استناد به یک گزارش حدیثی، توجه به معیارهای اعتبار سنجی ضروری است؛ از جمله:

۱. اثبات صحت انتساب کتاب به مؤلف؛
۲. شهرت و مقبولیت نسخه در طول تاریخ؛
۳. جایگاه علمی، رجالی و مذهبی نویسنده؛
۴. دقت در نقل و امانت داری متن؛
۵. مقایسه با منابع کهن تر و معتبر شیعه.

نبود این معیارها می تواند زمینه سوء استفاده جریان های مدعی مهدویت را فراهم کند. جریان احمد اسماعیل نیز برای اثبات ادعاهای نامتعارف

خود، گاه به منابع دست چندم یا کم اعتبار و برداشت های انحرافی تکیه می کند. در ادامه، چهار منبع مورد استفاده این جریان بررسی می شود.

۱.۱.۷ «الفتن» اثر نُعیم بن حماد
مروزی (درگذشته ۲۲۸ ق)



این اثر از کهن ترین کتاب های موجود اهل سنت درباره حوادث آخر الزمان و نشانه های قیامت معرفی شده است.

اشکال های مطرح شده

- بی ارتباطی برخی نقل ها با معصوم: بخش بزرگی از گزارش های کتاب از صحابه، تابعین یا اهل کتاب، مانند کعب الأحبار، زهري و اوطاء بن المنذر نقل شده و سلسله سند آن ها به پیامبر (ص) یا اهل بیت (ع) نمی رسد.
- تضعیف مؤلف نزد برخی عالمان رجال اهل سنت: رجالیان، نُعیم بن حماد را به نقل اخبار نادرست و خطاهای فراوان متهم کرده اند.



نمونه استناد پیروان احمد الحسن

این جریان به روایتی در «الفتن» استناد می کند که می گوید: «مردی از اهل بیت در مشرق قیام می کند، هشت ماه شمشیر بر دوش دارد و به سوی بیت المقدس حرکت می کند....». پیروان کوشیده اند این روایت را بر احمد بصری تطبیق دهند؛ در حالی که، سند آن نامعتبر و متنش ناسازگار با باورهای قطعی امامیه است.

۲.۲.۷. «شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار» اثر قاضی نعمان تمیمی مغربی (در گذشته ۳۶۳ ق)

قاضی نعمان از فقیهان برجسته دولت اسماعیلی فاطمی بود و کتاب را در راستای تثبیت باورهای مذهبی و سیاسی خلفای فاطمی نوشت.

۱. نگارش زیر نظر خلیفه فاطمی: مؤلف این کتاب را به فرمان وزیر نظر «المعز لدین الله» خلیفه فاطمی نوشته و به این امر تصریح کرده است.
۲. رویکرد تطبیق گرایانه اسماعیلی: اثر در پی توجیه امامت و مهدویت پیشوایان اسماعیلی و فرزندان آنان است؛ برای نمونه، مؤلف روایت هایی درباره

طلوع خورشید از مغرب را بر ظهور عبیدالله مهدی فاطمی تطبیق می دهد.

۳. افراد و احتمال دستکاری متنی: روایتی که احمد اسماعیل از این اثر^۲ درباره «ذریه مهدی» و واگذاری امور به آنان نقل می کند، منحصر به همین کتاب است و در منابع جامع روایی کهن امامیه یافت نمی شود. افزون بر این، تفکیک متن روایت از توضیح های قاضی نعمان در آن دشوار است.

۴. تعارض با روایات عدالت گستری قائم: نسبت دادن برپایی عدالت جهانی به ذریه قائم، با روایات متواتری که این امر را وظیفه مستقیم و نهایی شخص قائم (عج) می دانند، تعارض دارد.

۳.۳.۷. «بیان الأئمة» اثر سید محمد مهدی زین العابدین نجفی

این کتاب در دوران معاصر نوشته شده و مجموعه ای از پیشگویی ها، برداشت های غیرمتعارف و گزارش های تاریخی یا نشانه های

۱. نعمان بن محمد، «شرح الأخبار»، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۸۷.
۲. همان، ج ۲، ص ۴۲.

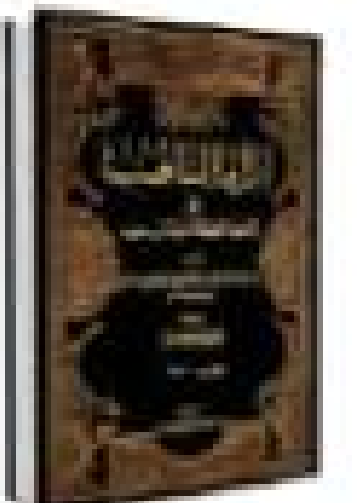
نامستند ظهور است.

اشکال‌های مطرح‌شده

• نقل نشانه‌های بی‌اساس و شگفت‌آور: مطالبی مانند بارش برف در «جزیره روم» و تطبیق آن بر روسیه یا آلمان، کشف اتم به دست امیرالمؤمنین (ع)، شکافتن نهر علقمه و نمونه‌های در منابع کهن حدیثی نیامده و بیشتر بر ذوقیات یا منابع نامعلوم استوارند.

• انتساب نادرست سخن به معصومان: احمد بصری با استناد به عبارتی منسوب به امام صادق (ع) در این کتاب می‌گوید: «قائم، دشمن‌ترین مردم با فقهاست و اگر شمشیر نبود، فقها به قتل او فتوا می‌دادند».

این عبارت حدیث اهل بیت (ع) نیست؛ بلکه سخنی از محیی‌الدین ابن عربی در «الفتوحات المکیة» است که نویسندگانی متأخر، مانند کامل سلیمان در «یوم الخلاص» و سپس مرندی و نجفی، آن را به اشتباه در شمار احادیث معصومان آورده‌اند.



۴.۴۷. «إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب» اثر شیخ علی یزدی حائری

این اثر با هدف خدمت به مباحث مهدویت گردآوری شده است؛ تسامح مؤلف در نقل مطالب مربوط به امام زمان (عج) سبب می‌شود نتوان آن را به تنهایی مرجع معتبر مباحث اعتقادی دانست.

اشکال‌های مطرح‌شده

• مرسل بودن و بی‌سند بودن بخش بزرگی از روایات.

• نقل مطالب از منابع مجهول یا نسخه‌های خطی ناشناخته و کم‌اعتبار.

نمونه استناد مدعیان

احمد بصری برای اثبات اینکه نخستین یاران قائم از بصره‌اند، به متنی در این کتاب استناد می‌کند که نام ۳۱۳ یار را می‌آورد و با عبارت «أَوَّلُهُمْ مِنَ الْبَصْرَةِ....» آغاز می‌شود.

به نظر نویسنده، این بخش گزیده‌ای از خطبه‌ای ضعیف و مشکوک به نام «خطبة البیان» است؛ متنی با تعبیرهای غلوآمیز و شطحیات صوفیانه که بنا بر گزارش او نخستین بار در قرن نهم در اثر رجب بُرسی با عنوان «مشارق أنوار الیقین» آمده و هیچ‌یک از محدثان متقدم، مانند کلینی، صدوق، مفید و طوسی، آن را روایت نکرده‌اند.

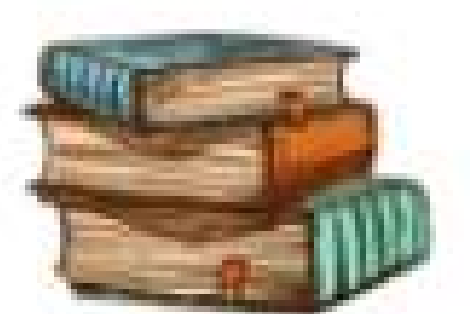
جمع‌بندی

بررسی این چهار منبع، بر لزوم ارزیابی انتساب اثر، اعتبار مؤلف، سند روایت و مقایسه با متون معتبرتر تأکید دارد.



۸. معرفی کتاب‌های نقد جریان «احمد الحسن»^۱

مأخذ:



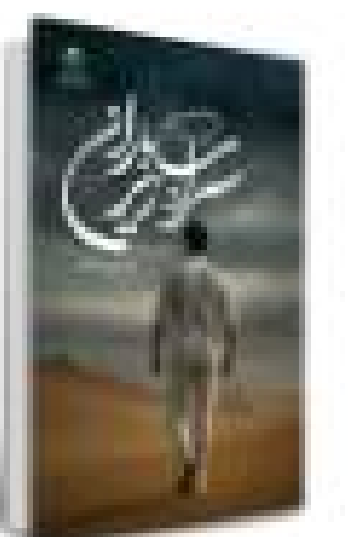
برگرفته از نشریه «امان»، شماره ۷۵

مقدمه

این فهرست برای آشنایی با آثار انتقادی درباره جریان احمد اسماعیل تنظیم شده و اطلاعات کتاب شناختی و توضیحات ارائه شده در متن اصلی را حفظ کرده است.

۱.۸. سراب زیر باران

نویسنده: مصطفی رضایی



ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

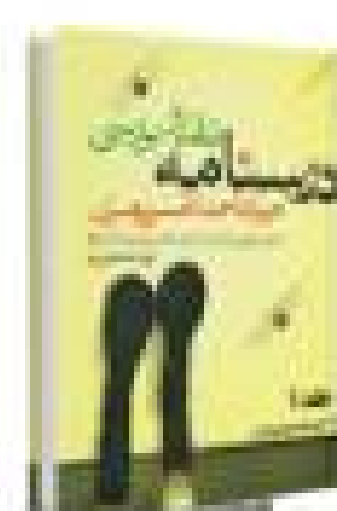
«سراب زیر باران» روایتی داستانی و مستند از هفت سال گرایش حجت الاسلام سید حسن سید پورآذر به جریان احمد اسماعیل بصری است. نویسنده با اتکا به اسناد و داده‌ها، این تجربه را بازسازی می‌کند

حقیقت تا گفت وگوها، رؤیاها و کشمکش‌های فکری همراه می‌سازد.

این کتاب، افزون بر روایت یک سرگذشت فردی، تصویری از شیوه‌های جذب در جریان‌های نوظهور مذهبی ارائه می‌دهد و نشان می‌دهد چگونه جست‌وجوی حقیقت، اگر با آگاهی و بصیرت همراه نباشد، ممکن است به نتیجه‌ای سراب‌گونه بینجامد.

۲.۸. درس نامه نقد و بررسی جریان

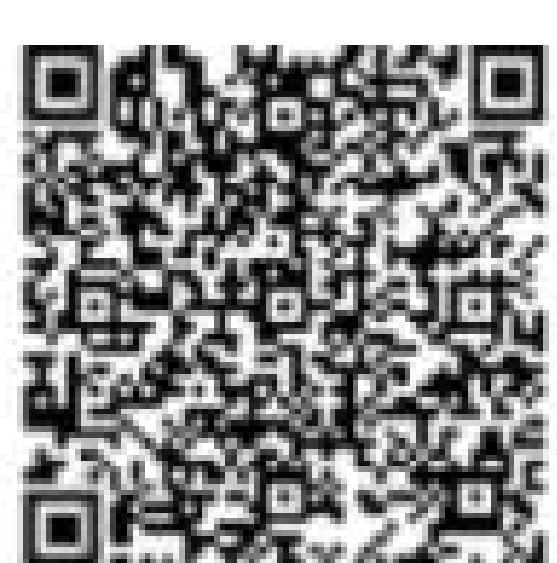
احمد الحسن البصری



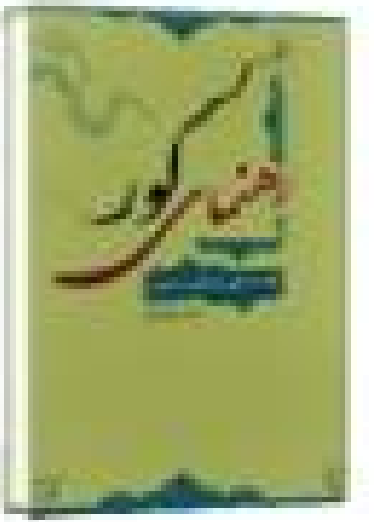
نویسنده: علی محمدی هوشیار

ناشر: انتشارات تولی

این درس‌نامه، ادعاهای جریان احمد اسماعیل بصری، به ویژه ادعای وصایت و نیابت خاص امام زمان (عج)، را با تکیه بر آیات قرآن، روایات و نیز ادله‌ای مانند معجزه، خواب و رؤیا، مباهله و استخاره بررسی و نقد می‌کند.



۳.۸. راهنمای کور



نویسنده: محمد شهبازیان

ناشر: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)
این کتاب هفت روایت اصلی مورد استناد جریان احمدالحسن را بررسی و نقد می‌کند: «خليفة الله المهدى»، «رجل أسمر»، «اسمه أحمد»، «الوزير الأمين»، «غلام أصفر الساقين»، «حديث لوح» و «توالی چهار امام».



۴.۸. ره افسانه (نقد و بررسی فرقه یمانی بصری)



نویسنده: محمد شهبازیان

ناشر: مرکز تخصصی مهدویت

این کتاب تاریخچه پیدایش، شیوه‌های جذب و فعالیت‌های تبلیغی جریان یمانی در عراق و ایران را بررسی می‌کند.



۵.۸. معیارهای شناسایی مهدی موعود^(عج) و تمایز آن از مدعیان دروغین



نویسنده: محمد شهبازیان

ناشر: انتشارات بین‌المللی المصطفی (ص)
این اثر چهارده شاخص برای شناخت حجت الهی و امام مهدی (عج) تدوین و تشریح می‌کند و از آن‌ها برای نقد ادعاهای مدعیان مهدویت بهره می‌گیرد.

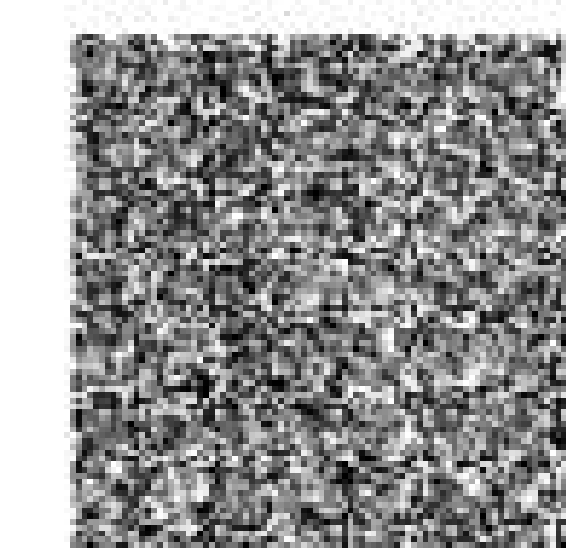


۶.۸. شناخت، بررسی و نقد کلامی جریان‌های انحرافی مهدویت



نویسنده: حسین حجامی

ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی



بررسی جریان‌های نو ظهور انحرافی با تأکید بر اصول و مبانی کلام شیعه.

۷.۸. ردیه‌ای قاطع بر احمد بن اسماعیل الکاظم



نویسنده: اکبر بیرامی

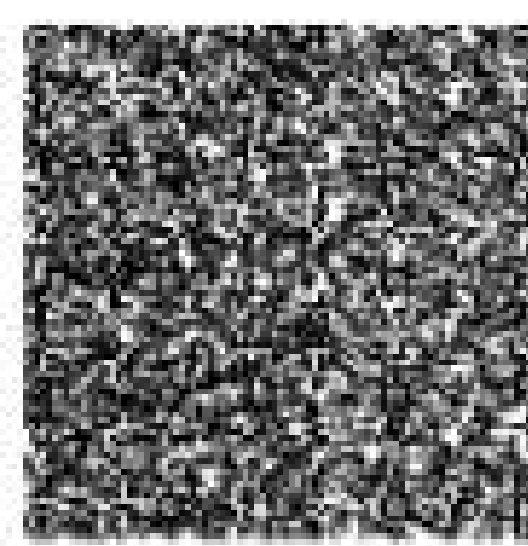
نقد ادعاها و استدلال‌های روایی این جریان با رویکردی تحلیلی و وانتقادی.



۸.۸. بررسی و نقد مستندات قرآنی جریان انحرافی احمد اسماعیل



نویسنده: جواد اسحاقیان درجه



بازخوانی آیات مورد استناد احمد الحسن و نقد برداشت‌های تفسیری پیروان این جریان.

۹.۸. المهدویة الخاتمة (دو جلد)



نویسنده: سید ضیاء خباز



این اثر دو جلدی، در پی اثبات خاتمیت نظام امامت در دوازده امام، نقد نشانه‌های غیر واقعی ظهور و ردّ استدلال مبتنی بر «قانون معرفت حجت» است.

۱۰.۸. بررسی و نقد تعدد قائمیت



نویسنده: مسلم کامیاب

تحلیل رویکرد حدیثی و کلامی جریان درباره وجود چند «قائم» و استدلال برای انحصار قائمیت در حضرت حجت (عج).

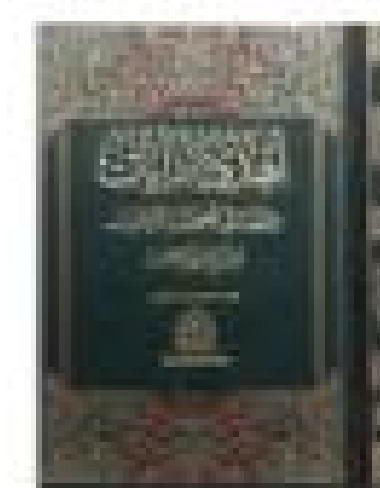
۱۱.۸. الشهب الأحمديّة فی الرد علی مدعی المهدویة



نویسنده: شیخ احمد سلمان

نقد ادله احمد الحسن با تمرکز بر مناظره‌ها و تحلیل سندی و دلالتی روایت‌های مورد استناد.

۱۲.۸. أهدي الرايات

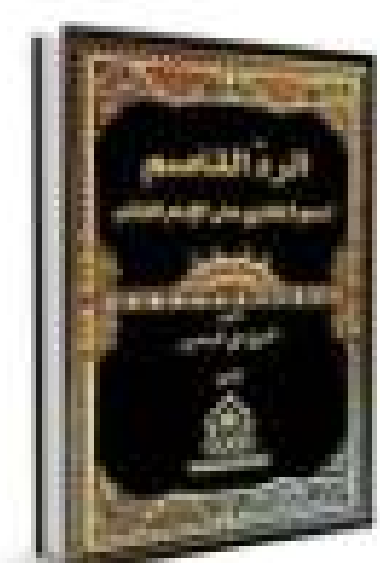


نویسنده: شیخ علی آل محسن



پژوهشی تفصیلی درباره شخصیت
یمانی در روایات فریقین و بررسی
دلایل عدم انطباق آن بر احمد
اسماعیل بصری.

۱۳.۸. الرد القاصم لدعوة المفتري على



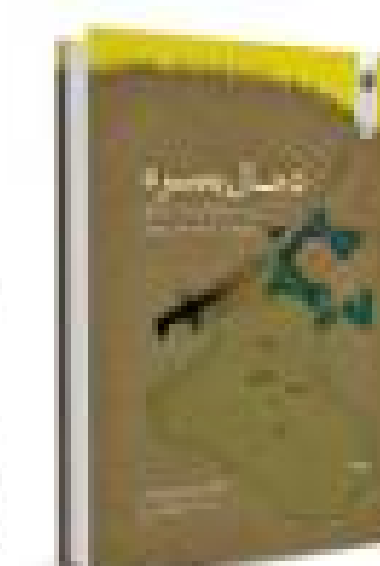
الإمام القائم

نویسنده: شیخ علی آل محسن



نقد سند و دلالت روایت وصیت،
مشهور به «الوصية المقدسة»، به
عنوان یکی از پایه‌های اصلی این
جریان.

۱۴.۸. دجال البصرة



نویسنده: علامه شیخ علی کورانی عاملی



این کتاب در هشت فصل و به زبان
عربی، ادعاهای تناقض‌ها، اسناد
مشکوک و روابط سیاسی منتسب به
این جریان را بررسی می‌کند.